

من یک کوییرم، پس هستم

Photo: DeepGreen/shutterstock.com

ماهرخ غلامحسین پور

می‌گویند بنویس من یک کوییرم. «کوییر»ها نه خوفناکند نه عجیب. ممکن است از کنار شما رد بشوند بی‌آنکه تفاوتی در اتمسفر و فضای پیرامونتان احساس کنید. من نه ناهنجارم، نه آن‌طور که جامعه اکثریت جنسی وانمود می‌کنند، ننگ آور، منحرف و خلافکار. من فقط تعاریف شما در هویت جنسی افراد را قبول ندارم.

میان هر ۱۰ کلمه «مهسا»، کم و بیش یک بار کلمه کوییر تکرار می‌شود. او می‌گوید تنها راه قانع کردن ذهن تنبل و آسوده‌خاطر حاکم بر جامعه برای تغییر نگرش و کنار رفتن بار منفی این کلمه و به دست آمدن بار واقعی آن، تکرار و باز هم تکرار آن است:

«ما آن‌قدر کلمه کوییر را تکرار می‌کنیم تا باور محافظه‌کار عمومی نسبت به این کلمه که برایش متفاوت یا شاید چندش‌آور است، به سمت معنای مبارزه برای بی‌هویتی جنسی یا درخواست منطقی یک اقلیت کشیده شود.»

[اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.](#)

در روزگاری نه چندان دور، واژه کوییر به معنای عجیب و ناهمگون، به جامعه غیردگرجنس‌گرا از هر تفکر و رده و گروهی اطلاق می‌شد. واژه بسیطی که شامل همجنس‌گرایان، دوجنس‌گرایان، ترنس‌جندرها و حتی افرادی می‌شد که هیچ هویت جنسی خاصی برای خودشان قائل نبودند. واژه‌ای که عمدتاً با تمسخر عمومی و برای بیان بار منفی هر نوع کنش بیولوژیکی که از دگرجنس‌خواهی دور بود، به کار می‌رفت.

مهسا اما معتقد است کوییر برایش حکم دست و پا زدن برای بازسازی یک هویت بیولوژیک ندارد، بلکه نوعی تفکر و کنش برای مبارزه با نرم‌ها و امور دم‌دستی پذیرفته شده از سوی عوام است: «ما ثبات هویت‌های مقبول جنسی را نمی‌پذیریم. می‌خواهم به زبان ساده کوییر را تعریف کنم: کوییر برای افرادی به کار برده می‌شود که الزاماً مرزهای مشخص شده هویت جنسی (و جنسیتی) را قبول ندارند. به این معنا که نمی‌پذیرند مردند یا زنند. آنها ممکن است همجنس‌گرا باشند، ممکن است دگرجنس‌خواه باشند، گاهی زن باشند و گاهی مرد. آنها به هویت تعریف شده بیولوژیک باورمند نیستند. این تعاریف‌ها را قبول ندارند.»

اگر فمینیسم به کوییر باورمند نباشد، ناقض همان هدفی است که برایش می‌جنگد

«نیما نیا»، نقاش، شاعر و کنشگر کوییر و حوزه برابری جنسیتی که خودش را یک «کوییر فمینیست» می‌داند و معتقد است فمینیسم نمی‌تواند به آرمان‌های کوییر بی‌تفاوت باشد، می‌گوید: «آنها نمی‌توانند بگویند الزاماً به مشکلات و نابرابری بین دو هویت شناخته شده زن و مرد حساسند و در همان محدوده برای برابری این دو مبارزه می‌کنند. این مساله ناقض همان اصول برابری خواهانه‌ای است که برایش می‌جنگند. کوییر یک جریان همسو با فمینیسم بوده و ما فمینیست‌های زیادی داریم که در این مورد کتاب‌ها نوشته و مبارزه‌ها کرده‌اند و از همان ابتدا خوشبختانه بسیاری از فلاسفه ضمن تعریفی که از فمینیسم داشتند در عین حال معتقد بودند با ثبات جنسیتی باید مبارزه کرد.»

نیما هم همچون مهسا بر تلاش عامدانه کوییرها برای تغییر بار روانی و معنایی این کلمه تاکید می‌کند: «این کلمه با توجه به شرایط تاریخی، نوعی بار منفی با خودش داشت و عمدتاً برای تحقیر اقلیت‌های جنسی جامعه به کار برده می‌شد اما بعدها و همزمان با رشد جامعه مدنی، کوییر به شکل یک نظریه و جنبش اجتماعی مطرح شد. بدین شکل که جامعه اقلیت ال‌جی‌بی‌تی‌ها، خودشان را آگاهانه به نام کوییر معرفی کردند تا سیستم حاکمی که دگرجنس‌گرایی را بازتولید می‌کند، به زانو در بیاورند.»

نیما نظریه کوییر را که یک نظریه ساختارشکنانه است، این‌گونه معنا می‌کند: «آنها علیه همه نرم‌ها و کلیشه‌های جنسیتی سر برمی‌آورند. کوییر در واقع نوعی تابوشکنی و ساختارشکنی می‌کند و در برابر هر تعبیر ثابت جنسیتی‌ای ایستادگی می‌کند.»

او می‌گوید روزهای اول نسبت به (از به کار بردن) کلمه «دگرباش» جنسی نوعی فوبیا و هراس داشته است: «کوییر در واقع همان کلمه دگرباش خودمان است. کلمه‌ای که بار معنایی همفوب دارد و اشاره می‌کند به «دیگری» یا همان غیر خودی بودن. من هم روزهای اول نسبت به استفاده از کلمه دگرباش به شدت واکنش نشان می‌دادم اما به تدریج متوجه شدم اتفاقاً شاید هم بد نباشد به کارش ببرم. به تدریج این کلمه را (آگاهانه از بار منفی) به زندگی روزمره‌ام راه دادم و بار منفی‌اش را کنار گذاشتم. حالا هم کلمه کوییر را به کار می‌گیرم به نفع خود آن کلمه و علیه آن جامعه‌ای که کلیشه‌ها را تداوم می‌دهد و این کلمات را تحقیر می‌کند.»

او در مورد «فرا زن» بودن می‌گوید شاید زنی (فردی) که خودش را در کلیشه‌های جنسیتی نمی‌گنجد، به چیزی بالاتر از باید و نبایدهای جنسی و جنسیتی که از سوی جامعه برایش در نظر گرفته شده، عمل می‌کند.

کلیشه‌های جنسیتی، آلت تناسلی و بیولوژی

تا پیش از چند دهه اخیر در غالب جوامع انسانی، هر فرد از سوی جامعه بر اساس آلت تناسلی و تعاریف عادی بیولوژیکش، به دو گروه زن و مرد تقسیم می‌شد و موارد محدودی از همجنس‌گرایی به شدت مایه شرمساری و سرکوب و تنبیه فیزیکی بود. در طول چند دهه مبارزه اما دگرباشان جنسی که در ابتدا فقط در یک گروه «همجنس‌گرا» تعریف می‌شدند، متکثر شده و به تعریف‌های جزئی‌تری رسیدند که کویر هم یکی از همین تعاریف است.

نیما می‌گوید: «تراجنسی‌ها کسانی هستند که خودشان را با آن جنسیت فیزیکی و آنچه در شناسنامه‌هایشان نوشته شده در تضاد می‌بینند و دنبال هویت جنسی دیگری هستند. جندر فلویداها خودشان را دارای یک جنسیت ثابت نمی‌دانند. بدین معنا که در یک دوره زمانی مرد هستند و در دوره زمانی دیگر خودشان را زن می‌دانند. گاهی ممکن است هیچ هویتی برای خودشان قائل نباشند و برای ثبات جنسیت هیچ حرمتی قائل نیستند. آنها تاکید دارند که جنسیت بین کلیشه زن و مرد تعریف نمی‌شود و بین جنسیت زن و مرد ممکن است جنسیت‌های دیگری هم باشند.»

دگرباشان جنسی، قربانیان خشونت

دگرباشان جنسی هر لحظه و هر جای جهان در معرض خشونت هستند. آنها حتی بیش از زنان و کودکان مورد آزار و تبعیض قرار می‌گیرند.

بر همین اساس نیما معتقد است مفهوم خشونت خانگی باید مضمون کلیه جوامع در اقلیت نیز باشد: «اتفاقا در این یک مورد خاص با تبعیض مثبت موافقم. جامعه ما هنوز با این مفاهیم آشنا نیست و این گروه‌ها مدام تحت رنج‌اند. خبرها و آگاهی‌سازی عمومی درباره دگرباشان نسبت به حوزه زنان و بقیه حوزه‌ها به شدت محدود و اندک است. رسانه‌ها آنها را نادیده می‌گیرند و دوری می‌کنند. شاید یک بار در سال به یک مناسبت تاریخی در رابطه با محتوای دگرباش حرف بزنند، اما آنها اغلب هیچ مسئولیتی برای فرهنگ‌سازی و ایجاد رفاه در جامعه اقلیت برای خودشان تعریف نکرده‌اند. این کافی نیست که ما در زندگی شخصی و روابط دوستانه بگویم ما مدافع حقوق دگرباشان هستیم. مدافع بودن کافی نیست. باید کمبود محتوا را در خصوص اقلیت‌های جنسی و کویرها جدی بگیریم و از خودمان سوال کنیم چرا مردم ناآگاهند؟»

بیشتر بخوانید:

[این روزها خیر مرگ هیچ کس دلم را تکان نمی‌دهد](#)

[وقتی خون و نژاد حرف اول را می‌زند](#)

[خشونت شاید تنها یک کلمه بنج حرفی باشد](#)

او درباره زاویه نگاه فمینیسم به حوزه کویر نیز می‌گوید: «ببینید، تمام این پدیده‌ها و تعاریف برای شناسایی و پایبندی به حقوق بشر است. اگر قرار باشد آرمان‌های فمینیسم به این سمت برود که به برابری جنسیتی واقعی دست یابد، باید این تلاشش شامل حال همه جنسیت‌ها باشد و نباید با توجه صرف به جنسیت زن و مرد، خشونت را بازتولید کند که سال‌ها علیه خودش تولید شده است. بسیاری از فمینیست‌ها الزاما برابری جنسیتی را فقط برابری بین زن و مرد تعریف می‌کنند اما باید این را در نظر گرفت که ما وقتی تنوع جنسیتی را نادیده بگیریم، یک جمعیت اقلیت را حذف کرده‌ایم و این نافی همان اهداف واقعی ماست، چون آنها هم حقوقی دارند و بیشتر از زنان بیولوژیکی مورد آزار و خشونت قرار می‌گیرند. ریشه تمام این مشکلات در نظام پدرسالاری است. همان نظامی که هدف نقد فمینیسم است. به باور من اما تمام دغدغه‌های اجتماعی و مفاهیم حقوق بشری برگرفته از کلیشه‌های جنسیتی هستند.»

این کنشگر برابری جنسیتی معتقد است اگر درباره خشونت خانگی حرف بزنیم اما در کنارش جامعه اقلیت جنسی را نادیده بگیریم و چشمانمان را بر روی خشونت که به این جامعه اقلیت تحمیل می‌شود ببندیم (بدین معنا که فقط راجع به همان نرم‌های جنسیتی معمول حرف بزنیم)، به خودی خود مرتکب خشونت آشکار شده‌ایم.